

جرم انگاری جرایم مانع در سیاست کیفری ایران

فریبرز جعفری

کارشناسی ارشد جزا و جرم شناسی
Fariborz.jafary.1717@gmail.com

چکیده

در این تحقیق به بررسی جرم انگاری جرایم مانع در سیاست کیفری ایران پرداختیم. جرایم مانع به جرایمی گفته می شود که گر چه قبیح ذاتی موجب جرم انگاری را ندارند و لکن برای پیشگیری از تحقق یک جرم با قبیح ذاتی یا یک حادثه نابهنگام، توسط قانونگذار جرم انگاری می شوند. در حقوق ایران این سری جرایم در موارد متعددی از قبیل تهیه و ساخت کلید با وسایل ارتکاب جرم، تهیه و حمل سلاح غیر مجاز، ولگردی و نسبتن کمربند ایمنی در وسایل نقلیه جرم انگاری شده اند. از حیث جرم شناختی جرایم مانع برای پیشگیری از جرایم مهم و ایجاد امنیت در جامعه و مقابله با حوادث مهم جرم انگاری می شوند و این جرم انگاری آثار قابل توجهی را هم داشته است. برای نمونه از زمان جرم انگاری نسبت به کمربند ایمنی در اتومبیل ها آمار فوتی های ناشی از تصادفات در ایران کاهش عمومی داشته است در عین حال در موارد خاص جرم انگاری جرایم مانع موفقیت آمیز نبوده است مثل جرم انگاری به کار گیری آنتن های ماهواره ای، از حیث حقوقی نیز برای هر یک از این جرایم غیر قانونی خام و عنصر مادی خاص خود و عنصر معنوی خاص خود را دارند، از طرف دیگر جرایم مانع از حیث حقوقی جرایمی می باشند که نیازی به تحقق نتیجه ندارد. لذا این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی درصدد است تا جرم انگاری جرایم مانع در سیاست کیفری ایران را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد.

واژگان کلیدی: جرم، جرم انگاری، جرایم مانع، سیاست کیفری ایران.

۱-مقدمه

جرم، پدیده ای است که در تمامی اعصار تاریخ بشری و در تمامی جوامع نمود خارجی یافته و با گذشت زمان در حال افزایش و تطور بوده است، هر کدام از این جوامع با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی عصر خود، واکنش های متفاوتی در مقابل این پدیده ابراز داشته اند. به طوری که از مستندات و شواهد تاریخی بر می آید، جرم پدیده ای منفی و مخل نظم تلقی شده و واکنش های شدیدی در مقابله با آن صورت پذیرفته است. مثلا مجازات های بدنی شدید از قبیل اعدام، نقره داغ کردن، داغ نهادن بر پیشانی، مثله کردن اجساد و ... نمونه هایی از واکنش های جامعه در قبال مجرم و جرم ارتکابی بوده اند.

این واکنش‌ها علیه جرایم، تا قرون وسطی نیز ادامه داشته است. اما، پس از آن و در پی علمی شدن حقوق کیفری، نگرش‌های انسانی نسبت به مجرم افزایش یافته و از شدت مجازات‌ها کاسته شده و برخی موارد نیز از نظام کیفری حذف گردیده است. در سیر تکامل جوامع؛ از جوامع سنتی و قبیله‌ای به جوامع دولتی، مجازات‌ها نیز دچار تغییرات بسیاری گردیدند و به جای انتقام‌های خصوصی و قبیله‌ای، مجازات‌های بیش و کم مدون جایگزین آن‌ها گردید. در سیر تکامل دولت‌ها و همزمان با دوران علمی شدن حقوق کیفری، اندیشمندانی همچون بکاربا، بنتام، ژان ژاک روسو، منتسکیو، ولتر و بسیاری دیگر با طرح نظریات علمی و جدید در حوزه حقوق کیفری، انقلابی عظیم را رقم زدند. آن‌ها در آثار خود، نظام‌های کیفری حاکم را مورد انتقاد قرار داده و با ارائه راه‌حل‌های علمی و تخصصی در زمینه جرم، مجازات، مجرم و زمینه ساز تحولی عظیم در حقوق کیفری گردیدند، به گونه‌ای که در پرتو این اندیشه‌ها، حقوق کیفری راه تکامل را با سرعت بیشتری پیمود و همچنان نیز اندیشمندان معاصر در تضارب آراء و اندیشه‌ها به افق‌های نوینی واقف شده و آثار گرانقدری را خلق نموده‌اند. یکی از این موضوعات مهم مورد بحث در اندیشه‌های کیفری بحث جرم‌انگاری و اصول و مبانی توجیهی آن می‌باشد. با آغاز دوران علمی شدن حقوق کیفری، اندیشمندان با جسارت علمی خود به نقد واکنش‌های شدید و خشن علیه رفتار مجرمانه پرداختند و با الهام از فلسفه قرارداد اجتماعی، دولت را دارای حق کیفر اعمال ممنوعه دانستند. البته، این حق کیفری ناشی از قرارداد اجتماعی، در چارچوب خاصی قابل توجیه بود. در پی این اندیشه‌ها، دولت‌ها نیز خود را موظف دیدند تا براساس اصول و معیارهای خاص، به جرم‌انگاری بپردازند. با ظهور عصر روشنگری، مباحث جدیدی در این زمینه مطرح گشت. دولت‌ها متأثر از این رخداد تاریخی، در تدوین مجموعه‌های قوانین کیفری خود، اصول علمی و عادلانه‌ای را مبنا قرار دادند. به عنوان مثال، مجازات‌های شدید و خشن انسانی به کلی از نظام‌های کیفری حذف گردید و مجازات‌های خفیف‌تر جایگزین آن‌ها شد، اصل فردی‌سازی مجازات به رسمیت شناخته شد که همگی پایه‌های حقوق کیفری مدرن را تشکیل دادند. مکاتب حقوق کیفری نیز سهم عمده‌ای در شکل‌گیری و استقرار اندیشه‌های نوین یاد شده ایفا نمودند. امروزه نیز حقوق دانان با تکیه بر اصول زیربنایی و به پشتوانه این اندیشه‌های کیفری، پیشتر رفته و در بحث جرم‌انگاری و مبانی آن، رویکردهای علمی و مستدلی را ارائه داده‌اند. از جمله اصول استقلال فردی، رفاه جمعی، ضرر، اخلاق‌گرائی قانونی، پدرسالاری (قیم مابی) قانونی، مصلحت‌گرائی و ... می‌باشد که در پژوهش حاضر تحت عناوین اصول کلان و خرد مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. هر کدام از این اصول، دیدگاه‌های موافق و مخالف بسیاری را به خود جلب نموده و در خلال این تضارب آراء و رویکردها به صورت اصولی بنیادین و کلان مطرح گشته‌اند. در بحث جرم و جرم‌انگاری، اصل بر این است که انسان آزاد است و اصل بر جواز تصرف انسان در اشیاء و امور است و حرمت و ممنوعیت استثنا بر اصل می‌باشد. پس، بار اثبات ضرورت وجود محدودیت و ممنوعیت بر عهده کسانی است که قصد محدود کردن آزادی‌های افراد را از طریق جرم‌انگاری دارند.

۲- مفاهیم

۲-۱- معنای لغوی جرم

جرم در معنای لغوی، مترادف «گناه، تعدی، خطا و عصیان آمده است.»^۱ و «جمع آن اجرام و جروم است.» بنابراین، جرم در معنای لغوی دارای محدوده وسیعی است که هم شامل «بزه» می‌شود و هم «گناه» و استعمال آن در زبان فارسی

۱. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۹۲، لغت نامه دهخدا، دانشگاه تهران، چاپ چهل و سوم، تهران، ص ۷۶۵

۲. عمید، حسن، ۱۳۹۳، فرهنگ عمید، امیرکبیر، چاپ بیست و هفتم، تهران، ص ۱۲۷.

و به عنوان فعل یا ترک فعل قابل کیفر، عاری از اشکال نیست. جمع کلمه جرمه، جرایم است؛ حتی در متون ادبی گذشته نیز جرم، هیچ‌گاه در معنای انحصاری فعل یا ترک فعل قابل عقوبت دنیوی، نیامده و دارای معنای وسیعی بوده است که هم شامل گناه می‌شد، هم بزه و خطا».

۲-۲- معنای اصطلاحی جرم

علمای حقوق کیفری هر یک جرم را به گونه‌ای تعریف کرده‌اند. هر یک از این تعاریف، اغلب از گرایش‌های نظری مکتب‌های خاصی ملهم شده است. برای نمونه مکتب عدالت مطلق، جرم را «هر فعل مغایر اخلاق و عدالت» تعریف کرده است. یا بنا به تعریف «گارو فالو» یکی از بنیان‌گذاران دانش جرم‌شناسی، «جرم، عبارتست از: تعرض به احساس اخلاقی بشر یعنی «جرحه دار کردن آن بخش از حس اخلاقی که احساسات بنیادی نوع خواهانه یعنی شفقت و درستکاری را شامل می‌شود».^۱

در اصطلاح، علیرغم تعاریف زیادی که از جرم شده هنوز هم این موفقیت به دست نیامده تا از جرم، آنچنان تعریفی به عمل آید که مورد قبول همگان قرار گیرد و در زمان و مکان واجد ارزش باشد و دلیل این امر نیز این است که «پدیده جرم بر حسب نظر دانشمندان و محققان دارای مبانی و صور گوناگون بوده، به سخنی دیگر، آنچه که از نظر یکی جرم محسوب می‌شود بر حسب نظر دیگری نه تنها ممکن است عنوان جرم به خود نگیرد، بلکه امکان دارد که حتی عملی پسندیده به شمار آید».^۲

۲-۳- مفهوم لغوی و اصطلاحی جرم انگاری

از لحاظ لغوی ساخت واژه جرم انگاری یعنی انگارش جرم و یا جرم پنداری که از دو کلمه جرم به معنی گناه، خطا، بزه و انگار به معنی پندار و تصور و فکر و خیال مرکب شده است.^۳ در اصطلاح لاتین جرم انگاری در مقابل مفهوم مخالف خود یعنی جرم زدایی آمده است که مفهوم عمیق جرم انگاری را در فرآیند جرم زدایی تشریح می‌کند. از لحاظ اصطلاحی جرم انگاری در طی فرآیند سازی حقوقی آن تعریف می‌شود که بر اساس آن قانونگذار از طریق تصویب قوانین، اعمالی را به جهت حفظ ارزشهای اجتماعی و نظم عمومی و علل و عوامل دیگر جرم تلقی می‌نماید.^۴ در این فرآیند قانونگذار با در نظر گرفتن هنجارها و ارزشهای اساسی جامعه و با تکیه بر مبانی نظری مورد قبول خود، فعل یا ترک فعلی را ممنوع و برای آن ضمانت اجرای کیفری وضع می‌کند. بر این اساس مطالعه جرم انگاری امری تک بعدی نیست و مبتنی بر علوم زیر ساختی همچون فلسفه حقوق، فلسفه سیاسی و علوم اجتماعی می‌باشد. به عبارت دیگر جرم انگاری مبتنی بر مبانی نظری مورد قبول حکومت یا قدرت سیاسی است.^۵

۱. اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۲، حقوق جزای عمومی، میزان، چاپ بیست و هشتم، تهران، ج ۲، ص ۱۱۹.

۲. شامبیاتی، هوشنگ، ۱۳۹۲، حقوق جزای عمومی، مجد، چاپ دوم، تهران، ص ۲۱۳.

۳. عمید، حسن، پیشین، ص ۶۵۷.

۴. دلماس - مارتی، میری، ۱۳۸۱، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، میزان، چاپ اول، تهران، ص ۱۲۱.

۵. همان، ص ۱۷.



۲-۴- مفهوم سیاست کیفری

سیاست کیفری به آن دسته از اقدامات حکومت و دولت در جهت پیشگیری از وقوع جرم و درمان و بهبود وضع مجرمان گفته می شود. اما در کنار مفهوم سیاست کیفری، اصطلاح «سیاست جنایی» به عنوان یک رشته‌ی مطالعاتی علمی، نخستین بار توسط آن سلم فون فوئر باخ به کار رفته است. این عنوان از دو جزء «سیاست» و «جنایت - جنایی» تشکیل شده است. واژه‌ی سیاست در معانی متعددی استعمال می شود. لسان العرب می گوید: "سوس" به معنی ریاست است و سیاست نیز در مفهوم «تصدی برای حفظ مصالح مردم» می باشد. ^۱ گاه نیز سیاست به معنای اداره‌ی کشور و حکم راندن و رعیت‌داری است بنابراین، سیاست در لغت به معنای توانایی اتخاذ تدابیر مناسب جهت اداره‌ی امور به نحو مطلوب است. جنایت نیز همانند سیاست، کلمه‌ای عربی است که از ریشه‌ی جنی به معنای گناه کردن، چیدن میوه از درخت، و جرم آمده است.

۲-۵- جرایم مانع و مصادیق آن

۱-۵-۲- جرایم بدون بزه دیده

به نظر برخی جنایات بدون قربانی اعمال غیراخلاقی هستند که موجب هیچ خسارت قابل تشخیص برای اشخاص ثالث نیست و یا به عبارت دیگر جرم بدون بزه دیده یا جرم توأم با رضایت هرگونه عملی است که صدمه عادی و فیزیکی به اشخاص یا اموال وارد نمی کند یا عملی است که توأم با رضایت است و در حال حاضر بر مبنای قوانین موضوعه غیرقانونی هستند. و علی رغم متضرر نشدن مستقیم اشخاص ثالث از این جرائم نقش اساسی در ایجاد احساس ناامنی در جامعه داشته و زمینه ساز وقوع جرائم بعدی می باشد. عده ای از جرم شناسان به جای استفاده از لفظ جرایم بدون بزه دیده از جرایم بدون بزه دیده مستقیم استفاده می کنند و منظور آنها جرایمی است که بزه دیده مشخص و مستقیمی ندارند و در واقع شخص خاصی از ارتکاب آنها صدمه نمی بیند. ^۶

۲-۵-۲- جرایم ناتمام

جرایم را در مجموع می توان به دو دسته جرایم ناقص و کامل تقسیم کرد. ناقص به معنای کامل نشده است و این جرایم تنها به این دلیل ناقص می باشند که صرف نظر از آنکه فی نفسه جرم محسوب می گردند اقدامی در جهت ارتکاب جرم کامل دیگری می باشند یا به قصد ارتکاب چنین جرمی انجام می گیرند. ^۷ در این قسمت به ذکر انواع جرایم ناتمام که تمامی آنها از مصادیق جرایم مانع هستند می پردازیم:

۱. ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم، ۱۴۰۸ ه. ق، لسان العرب، دار الاحیاء التراث العربی، چاپ اول، بیروت، ج ۶، ص ۱۰۸.

۲. دهخدا، علی اکبر، پیشین، ص ۸۶۵.

۳. همان، ۷۸۶۵.

۴. عمید، حسن، پیشین، ص ۴۷۱.

۵. گسن، ریموند، ترجمه: نجفی ابرندآبادی، «روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری» ۱۳۸۶، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، دوره ۲۰، شماره ۱۲، ص ۲۳.

۶. رهامی، محسن؛ حیدری، علیمراد، ۱۳۸۹. جرایم بدون بزه دیده، انتشارات میزان، چاپ دوم، تهران، ص ۴۱.

۷. افتخار جهرمی، گوردز، ۱۳۸۷، جزوه حقوق جزای عمومی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، تهران، ص ۵۴.

۲-۵-۲-۱- جرایم مقدماتی

صرف تهیه وسایل و مقدمات ارتکاب جرم را نمی توانیم عنوان مجرمانه بنامیم و ماده ۱۲۲ ق.م.ا. ۱۳۹۲ نیز گویای این اصل می باشد. اما با این وجود در صورتی که عملیات و اقدامات صورت گرفته رابطه مستقیمی با وقوع جرم داشته باشد یا به عنوان مثال فرد به قصد ارتکاب جرم اقدام به ساخت کلید یا هر نوع وسیله دیگری بنماید را می توان تحت عنوان جرایم مقدماتی که قابل پیگرد است مجازات نمود.

۲-۵-۲-۲- سردستگی گروه مجرمانه سازمان یافته

طبق ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: « هرکس سردستگی یک گروه مجرمانه را برعهده گیرد به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند، محکوم می گردد مگر آنکه جرم ارتكابی موجب حد یا قصاص یا دیه باشد که در این صورت به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می شود. در محاربه و افساد فی الارض زمانی که عنوان محارب یا مفسد فی الارض بر سردسته گروه مجرمانه صدق کند حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم می گردد. تبصره ۱- گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می گردد.

تبصره ۲- سردستگی عبارت از تشکیل یا طراحی یا سازماندهی یا اداره گروه مجرمانه است.^۱

لازم به ذکر است که اساس و پایه این جرم نفس توافق است که اگر وجود آن اثبات گردد، اثبات هیچ فعل دیگری ضروری نیست، این واقعیت که تبانی برای ارتکاب جرم گاهی در جرایم سازمان یافته از سوی شبکه های مجرمانه مشاهده می شود لزوم برخورد سریعتر و شدیدتر با تبانی کنندگان را آشکار می سازد. بدین ترتیب در راستای حفاظت از جامعه در قبال جرمی که اولاً امکان تحقق آن زیاد است و ثانیاً در صورت تحقق یافتن، خطرات و زیانهای بیشتری را بوجود می آورد دخالت زود هنگام مراجع مربوط برای نابود کردن تبانی در نطفه ضروری به نظر می رسد.^۲

۲-۵-۲-۳- تحریک

تحریک در لغت به معنای به حرکت در آوردن، جنبانیدن و نیز در معنی واداشتن و برانگیختن دیگران آمده است. تحریک به جرم یعنی واداشتن دیگری به ارتکاب جرم به هر دستاویزی، خواه با دادن مال، وعده و یا فریب و خواه با تشویق، ترغیب و بطور کلی تقویت نیروی اراده ارتکاب به جرم مانند تهییج حس کینه و انتقام جویی.^۳

۱. زاهدی، عاطفه، ۱۳۹۲، قانون مجازات اسلامی، انتشارات جنگل، چاپ هشتم، تهران، ص ۹۲.

۲. میرمحمد صادقی، حسین، ۱۳۹۲، حقوق جزای اختصاصی؛ جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، میزان، چاپ بیست و یکم، تهران، ص ۱۲۸.

۳. اردبیلی، محمدعلی، پیشین، ص ۲۰۱.

قانونگذار ایران در موادی نظیر ۵۰۴ و ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ افرادی را که به قصد انجام کاری خلاف دیگری را ترغیب، تشویق و یا امر نموده باشند را مورد جرم انگاری قرار داده است.

۳-۵-۲- شروع به جرم

شروع به جرم یعنی اقدام و دست یازیدن به عملی که در صورت وقوع به موجب قانون جرم به شمار می‌آید، ولی در نتیجه مداخله عامل غیر ارادی، بلا اثر مانده و نتیجه حاصل نمی‌شود. به عبارت دیگر شروع به جرم عبارت است از رفتاری که به منظور عملی نمودن قصد مجرمانه انجام شده لکن به جهت مانع خارجی به تحصیل نتیجه مورد نظر منتهی نگردیده است. در بیشتر موارد تحصیل نتیجه زیان آور یکی از ارکان تحقق جرم است و وقتی که نتیجه مزبور به دست نیاید می‌توان گفت جرم در مرحله شروع به جرم بوده است. ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌دارد: «هرکس قصد ارتکاب جرمی کند و شروع به اجرا نماید لکن جرم منظور واقع نشود چنانچه اقدامات انجام گرفته جرم باشد محکوم به مجازات همان جرم می‌شود»^۳.

حقوق اندیشه مجرمانه را مجازات نمی‌کند و از لحاظ اثباتی مبتنی کردن مسئولیت جزایی صرفاً بر نیت سوء متهم بسیار مشکل خواهد بود و به علاوه این نیت به اندازه کافی شدید و خطرناک تلقی نمی‌شوند که مداخله قانون را توجیه کند. با این حال در برخی از جرایم قانون به یک نمود خارجی کمتر از قصد مجرمانه متهم راضی است که یکی از مصادیق بارز این جرایم شروع به جرم است. بنابراین قانونگذار با جرم انگاری آنها قصد دارد افرادی را که قصد ارتکاب جرمی را دارند و یا اینکه در آغاز عملیات اجرایی یا در حال انجام عملیات اجرایی است را مورد مجازات قرار دهد تا بواسطه آن از ارتکاب جرایم سنگین تر و مهم تر بعدی پیشگیری شود.

۳-جرایم مانع در سیاست کیفری ایران

۳-۱-جرایم مرتبط با مواد مخدر در قانون مجازات اسلامی

نظر به اینکه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ و اصلاحیه آن مصوب ۱۳۸۹ حکم خاصی در مورد تعدد جرم وضع نکرده، بنابراین ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با توجه به امره بودن آن، در جرایم مواد مخدر نیز حاکم بوده و در تعیین مجازات برای مرتکبین اینگونه جرایم، در صورت تعدد بزه‌های ارتكابی لازم‌الرعایه است. براین اساس آراء دادگاه‌های انقلاب اراک، مشهد و همدان که با این نظر مطابقت دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص می‌گردد. این رای طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری برای دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است.^۴

۳-۲-جرایم راهنمایی و رانندگی

۱. فرهودی نیا، محمد، ۱۳۸۸، جرایم ناقص، نشر فروزش، چاپ اول، تهران، صص ۴۶-۴۷.
۲. گلدوزیان، ایرج، ۱۳۸۵، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، میزان، چاپ سیزدهم، تهران، صص ۱۶۸.
۳. زاهدی، عاطفه، پیشین، صص ۶۹.
۴. ذبحی، حسین، ۱۳۹۲، شرح و بررسی قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاقات بعدی آن، نشر مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، چاپ اول، تهران، جلد ۱، صص ۲۹-۳۱.

در رابطه با واکنش قانونگذار نسبت به جرایم رانندگی عمدی باید گفت: آنچه تاکنون در مورد جرایم ناشی از تخلفهای رانندگی گذشت، در چهارچوب جرایم غیرعمدی به واسطه تقصیر (شامل بی احتیاطی، عدم مهارت راننده و عدم رعایت نظامات دولتی) می گنجید، ولی حالتهایی نیز وجود دارد که راننده با وسیله نقلیه خود مرتکب جرایم عمدی می گردد. به بیان دیگر، وسیله نقلیه خود را وسیله ارتکاب جرم عمدی قرار می دهد و بدین ترتیب امنیت جامعه را به خطر می اندازد. قانونگذار ایران برای مبارزه با چنین امری در ۵ دی ماه ۱۳۳۵ ماده واحده ای با عنوان طرح قانونی مربوط به تشدید مجازات رانندگان متخلف وضع نمود که طی آن پیش بینی می کرد: «هر راننده ای اعم از آنکه شغل او رانندگی باشد یا نباشد شخصا و یا با شرکت دیگری به قصد قتل یا سرقت اموال یا هتک ناموس، مرتکب ربودن شخص یا اشخاصی که در آن وسیله نقلیه است بشود، در صورت وقوع قتل محکوم به اعدام است و دادرسان حق ندارند مجازات را حتی یک درجه تخفیف دهند و در صورت وقوع سرقت و یا هتک ناموس به عنف، به حبس دایم و در صورت شروع به قتل یا سرقت و یا شروع به هتک ناموس به عنف، به حبس جنایی درجه یک از پنج سال تا پانزده سال مجازات خواهد شد».

اما در رابطه با مقررات مربوط به جرایم ارتكابی به وسیله موتور سیکلت باید گفت: در دهه های اخیر موتور سیکلت به عنوان وسیله نقلیه ای کم مصرف و کارآمد در کنار اتومبیل، خود نمایی کرده و مورد استفاده مردم قرار گرفته است، ولی متأسفانه قانون شکنان آن را نیز وسیله ارتكاب تخلفها و جرایم خود قرار داده اند در چهارم اسفند ماه ۱۳۵۵ برای برخورد قانونی با موتور سیکلت سواران متخلف، ماده واحده ای به همراه سه تبصره به تصویب رسید که به افسران و درجه داران دیپلمه پایتخت اجازه می داد در محدوده قانونی شهر تهران، رانندگان موتور سیکلت یا موتور گازی را که در پیاده رو مبادرت به رانندگی کرده و یا در جهت مسیر مجاز حرکت می نمودند و یا به وسیله لوله آگزوز، به طور عمدی صدای ناهنجاری ایجاد می کردند، متوقف نموده و علاوه بر اخذ جرایم مذکور در آیین نامه اجرایی قانون نحوه رسیدگی به تخلفها و اخذ جرایم رانندگی، موتور سیکلت یا موتور گازی آنان را از سه ماه تا شش ماه با توجه به نوع تخلف توقیف نمایند. در تبصره یک این قانون، اجازه اجرای قانون در سایر شهرها موکول به پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیأت وزیران شده بود. در تبصره ۲ نیز قید گردیده بود که اگر عمل متهم با ماده جزایی دیگری قابل انطباق باشد، اجرای این ماده مانع تعقیب کیفری او نخواهد بود (تعدد معنوی).^۱

۳-۳- جرایم ناتمام

قانون مجازات اسلامی در فصل اول بخش سوم، در مواد قانونی ۱۲۲ تا ۱۲۴ به بحث جرایم ناتمام پرداخته است. در ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی، به مبحث شروع به جرم پرداخته شده و آمده است:

هر کس قصد ارتكاب جرمی کند و شروع به اجرای آن نماید، لکن به واسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند، چنانچه اقدامات انجام گرفته جرم باشد، به مجازات همان جرم محکوم و در غیر این صورت به شرح زیر مجازات میشود:

الف) در جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، حبس دائم یا حبس تعزیری درجه یک تا سه است، به حبس تعزیری درجه چهار؛

ب) در جرایمی که مجازات قانونی آنها قطع عضو یا حبس تعزیری درجه چهار است، به حبس تعزیری درجه پنج؛

^۱. فرهودی نیا، حسن، پیشین، ص ۲۸.

پ) در جرایمی که مجازات قانونی آنها شلاق حدی یا حبس تعزیری درجه پنج است، به حبس تعزیری یا شلاق یا جزای نقدی درجه شش .

در تبصره همین ماده نصی وجود دارد که به رغم تصریح، اطلاق آن بر جرم محال ممکن است. این تبصره مقرر میدارد: هر گاه رفتار ارتكابی ارتباط مستقیم با ارتكاب جرم داشته باشد، لکن به جهت مادی که مرتکب از وقوع آنها بی اطلاع است وقوع جرم غیر ممکن شود، اقدام انجام شده در حکم شروع به جرم است.

۴- نتیجه گیری

در این مقاله به بررسی جرم انگاری جرایم مانع در سیاست کیفری ایران پرداخته شده است در توضیح باید گفت: با توجه به مفهوم جرایم مانع و علت جرم انگاری آنها به نظر میرسد با توسل به اقدامات غیرکیفری می توان دامنه بسیاری از انحرافات را محدود کرد یا از بین برد. در حقوق کیفری حق مدار در راستای حفظ آزادی های شهروندان، بسیاری از انحرافات و اعمال مقدماتی که زمینه ساز جرایم بزرگ تر هستند با ساز و کارهای غیر کیفری محدود می شوند ولی با جلوس جامعه خطر در دهه های اخیر، فاکتور امنیت در اولویت قرار می گیرد و در رابطه با تمامی اعمال مقدماتی و انحرافات به جرم انگاری حداکثری روی آورده می شود. در حالی که اصل حداقلی حقوق جزا قانونگذاران را به پرهیز از سومصرف حقوق کیفری دعوت می کند. توسل به مکانیزم های غیرکیفری در راستای محدود کردن دامنه این انحرافات راه حلی مناسب است ولی یکی از خصوصیات تدابیر پیشگیرانه این است که نتایج آن فوری نیست بلکه در طول زمان کارآیی خود را نشان می دهد و شاید همین امر، بسیاری از دولتها را به اندیشه جرم انگاری و توسل به اقدامات قهرآمیز در مقابله با این رفتارها و میدارد. به اعتقاد ما توسل به حقوق کیفری در حوزه رفتارهایی که زمینه ساز ارتكاب جرایم بعدی هستند ثمر بخش نبوده است. شایسته نیست قانون کیفری را با داخل کردن مواردی که از عهده انتظامات دیگر جامعه برمی آید قطور و پیچیده کنیم. سیاست جنایی مؤثر در مقابله با اعمال مقدماتی در درجه اول اقدامات غیر کیفری را سرلوحه برنامه خود قرار می دهد. در مورد جرم انگاری جرایم مانع هم باید اذعان داشت با توجه به مشکلات اجرایی و عملی جرم دانستن بعضی از جرایم مانع، باید جامعه از این مصادیق جرم زدایی کرده مقابله با آنها را به ساز و کارهای دیگر کنترل اجتماعی (ساز و کارهای غیر کیفری) محول کند.

شایان ذکر است که جرم پدیده ای است که در تمامی اعصار تاریخ بشری و در تمامی جوامع نمود خارجی یافته و با گذشت زمان در حال افزایش و تطور بوده است. هر کدام از این جوامع با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی عصر خود واکنش های متفاوتی در مقابل این پدیده ابراز داشته اند. به طوری که از مستندات و شواهد تاریخی بر می آید، جرم پدیده ای منفی و مخل نظم تلقی شده و واکنش های شدیدی در مقابله با آن صورت پذیرفته است. مثلاً مجازات های بدنی شدید از قبیل اعدام، نقره داغ کردن، داغ نهادن بر پیشانی، مثله کردن اجساد و ... نمونه هایی از واکنش های جامعه در قبال مجرم و جرم ارتكابی بوده اند.

این واکنش ها علیه جرایم، تا قرون وسطی نیز ادامه داشته است. اما، پس از آن و در پی علمی شدن حقوق کیفری، نگرش های انسانی نسبت به مجرم افزایش یافته و از شدت مجازات ها کاسته شده و برخی موارد نیز از نظام کیفری حذف گردیده است. در سیر تکامل جوامع؛ از جوامع سنتی و قبیله ای به جوامع دولتی مجازات ها نیز دچار تغییرات بسیاری گردیدند و به جای انتقام های خصوصی و قبیله ای، مجازات های بیش و کم مدون جایگزین آنها گردید.

در سیر تکامل دولت ها و هم زمان با دوران علمی شدن حقوق کیفری، اندیشمندان همچون بکار یا بنتام، ژان ژاک روسو، منتسکیر، و لتر و بسیاری دیگر با طرح نظریات علمی و جدید در حوزه حقوق کیفری، انقلابی عظیم را رقم زدند. آنها در آثار

خود، نظام‌های کیفری حاکم را مورد انتقاد قرار داده و با ارائه راه‌حل‌های علمی و تخصصی در زمینه جرم، مجازات، مجرم و ... زمینه‌ساز تحولی عظیم در حقوق کیفری گردیدند، به گونه‌ای که در پرتو این اندیشه‌ها، حقوق کیفری راه تکامل را با سرعت بیشتری پیمود و همچنان نیز اندیشمندان معاصر در تضارب آراء و اندیشه‌ها به افق‌های نوینی واقف شده و آثار گران‌قدر را خلق نموده‌اند. یکی از این موضوعات مهم مورد بحث در اندیشه‌های کیفری، بحث جرم‌انگاری و اصول و مبانی توجیهی آن می‌باشد. با آغاز دوران علمی شدن حقوق کیفری، اندیشمندان با جسارت علمی خود به نقد واکنش‌های شدید و حسن علیه رفتار مجرمانه پرداختند و با الهام از فلسفه قرارداد اجتماعی، دولت را دارای حق کیفر اعمال ممنوعه دانستند. البته، این حق کیفر ناشی از قرارداد اجتماعی، در چارچوب خاصی قابل توجه بود. در پی این اندیشه‌ها، دولت‌ها نیز خود را موظف دیدند تا بر اساس اصول و معیارهای خاص، به جرم‌انگاری بپردازند. با ظهور عصر روشنگری، مباحث جدیدی در این زمینه مطرح گشت. دولت‌ها متأثر از این رخداد تاریخی، در تدوین مجموعه‌های قوانین کیفری خود، اصول علمی و عادلانه‌ای را مبنا قرار دادند. به عنوان مثال، مجازات‌های شدید و خشن انسانی به کلی از نظام‌های کیفری حذف گردید و مجازات‌های خفیف‌تر جایگزین آن‌ها شد. اصل فردی‌سازی مجازات به رسمیت شناخته شد که همگی پایه‌های حقوق کیفری مدرن را تشکیل دادند.

مکاتب حقوق کیفری نیز سهم عمده‌ای در شکل‌گیری و استقرار اندیشه‌های نوین یاد شده ایفا نمودند. امروزه نیز حقوقدانان با تکیه بر اصول زیربنایی و به پشتوانه این اندیشه‌های کیفری، پیش‌تر رفته و در بحث جرم‌انگاری و مبانی آن، رویکردهای علمی و مستدلی را ارائه داده‌اند. از جمله اصول استقلال فردی، رفاه جمعی، ضرر، اخلاق گرائی قانونی، پدر سالاری (قیم مآبی) قانونی، مصلحت‌گرائی و ... می‌باشد که در پژوهش حاضر تحت عناوین اصول کلان و خرد مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. هر کدام از این اصول، دیدگاه‌های موافق و مخالف بسیاری را به خود جلب نموده و در خلال این تضارب آراء و رویکردها به صورت اصولی بنیادین و کلان مطرح گشته‌اند. در بحث جرم و جرم‌انگاری، اصل بر این است که انسان آزاد است و اصل بر جواز تصرف انسان در اشیاء و امور است و حرمت و ممنوعیت استثنا بر اصل می‌باشد. پس، بار اثبات ضرورت وجود محدودیت و ممنوعیت بر عهده کسانی است که قصد محدود کردن آزادی‌های افراد را از طریق جرم‌انگاری دارند.

در واقع، جرم‌انگاری و کیفر گذاری با ابتناء بر اصل ضرر به غیر، آن‌گونه که یافته‌های این پژوهش اثبات می‌کند، به پشتوانه‌ی تلاش فلسفی اندیشمندان لیبرال و با اتکاء به آرمان‌های مشخصی چون آزادی و بی‌طرفی به بار نشست و مشروعیت می‌یابد. لیبرال‌ها با وجود داشتن دیدگاه‌های گوناگون پیرامون ماهیت و محدوده‌ی اصل ضرر، دست کم در عمل، ضرر را به مثابه‌ی چوب خطی برای تحدید آزادی و ورود به عرصه‌ی جرم‌انگاری و کیفر گذاری پذیرفته‌اند. اصل ضرر نشان می‌دهد که تنها راه مقابله با کجی و کجروی درستی کردن، خشونت ورزیدن و توسل به حربه‌ی کیفر نیست و کیفر همواره ابزار کارآمدی برای حمایت از اخلاق نبوده و لاجرم ابزارهای بدیل و ضمانت اجراهای غیرکیفری نیز وجود دارند که نباید از نقش مؤثر آن‌ها غافل شد.

شایان ذکر است که هر نهاد حقوقی، دارای بنیادها و ریشه‌هایی است که قدرت الزام آور و مشروعیت خود را از آن‌ها می‌گیرد. نهاد جرم‌انگاری نیز همانند دیگر نهادهای حقوق کیفری بر مبانی و اصولی متکی است که مشروعیت و وجاهت خود را، از آن‌ها اخذ می‌کند. جرم، عملی بوده که همیشه و همه جا، مادموم و ناپسند بوده و واکنش جامعه را در پی داشته است. در تاریخ حقوق کیفری، به ویژه در دوران باستان، مسئولیت کیفری را بر پایه نظریه انتقام فردی توجیه می‌کردند. چنان که در دوران دادگستری خصوصی و عمومی، با الهام از تعالیم مذهبی، بر پایه حق قصاص و کفاره گناهان و در مواردی حق جامعه و حکومت و اجرای عدالت کیفری توجیه می‌نمودند. با توجه به مفهوم جرایم مانع و علت جرم‌انگاری آن‌ها به نظر میرسد با توسل به اقدامات غیرکیفری می‌توان دامنه بسیاری از انحرافات را محدود کرد یا از بین برد. در حقوق کیفری حق مدار در راستای حفظ آزادی‌های شهروندان، بسیاری از

انحرافات و اعمال مقدماتی که زمینه ساز جرایم بزرگ تر هستند با ساز و کارهای غیر کیفری محدود می شوند ولی با جلوس جامعه خطر در دهه های اخیر، فاکتور امنیت در اولویت قرار می گیرد و در رابطه با تمامی اعمال مقدماتی و انحرافات به جرم انگاری حداکثری روی آورده می شود. در حالی که اصل حداقلی حقوق جزا قانونگذاران را به پرهیز از سومصرف حقوق کیفری دعوت می کند. توسل به مکانیزم های غیر کیفری در راستای محدود کردن دامنه این انحرافات راه حلی مناسب است ولی یکی از خصوصیات تدابیر پیشگیرانه این است که نتایج آن فوری نیست بلکه در طول زمان کارایی خود را نشان می دهد و شاید همین امر، بسیاری از دولت ها را به اندیشه جرم انگاری و توسل به اقدامات قهرآمیز در مقابله با این رفتارها و امدارد. به اعتقاد ما توسل به حقوق کیفری در حوزه رفتارهایی که زمینه ساز ارتکاب جرایم بعدی هستند ثمر بخش نبوده است. شایسته نیست قانون کیفری را با داخل کردن مواردی که از عهده انتظامات دیگر جامعه برمی آید قطور و پیچیده کنیم. سیاست جنایی مؤثر در مقابله با اعمال مقدماتی در درجه اول اقدامات غیر کیفری را سرلوحه برنامه خود قرار می دهد.

در مورد جرم انگاری جرایم مانع هم باید اذعان داشت با توجه به مشکلات اجرایی و عملی جرم دانستن بعضی از جرایم مانع، باید جامعه از این مصادیق جرم زدایی کرده مقابله با آنها را به ساز و کارهای دیگر کنترل اجتماعی (ساز و کارهای غیر کیفری) محول کند.

۹

پیشنهادها

- ۱- لزوم رعایت کامل اصول و مبانی راهبردی جرم انگاری از جمله اصل استقلال فردی، رفاه و صدمه در جرم انگاری رفتارها (اعم از فعل و ترک فعل)
- ۲- پرهیز قانونگذار کیفری از جرم انگاری های غیر ضروری که در بعضی موارد منجر به افزایش نرخ بزهکاری می شود.
- ۳- لزوم جرم زدایی از رفتارهایی که در آنها صدمه واقعی و مستقیمی ایجاد نمی گردد.
- ۴- بکارگیری ضمانت اجراهای اداری، انضباطی و مدنی و توسل به ابزارهای حقوق کیفری به عنوان آخرین راه حل.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

۱. اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۲. حقوق جزای عمومی، میزان، چاپ بیست و هشتم، تهران، ج ۲.
۲. افتخار جهرمی، گودرز، ۱۳۸۷، جزوه حقوق جزای عمومی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، تهران.
۳. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۹۲، لغت نامه دهخدا، دانشگاه تهران، چاپ چهل و سوم، تهران.
۴. ذبحی، حسین، ۱۳۹۲، شرح و بررسی قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاقات بعدی آن، نشر مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، چاپ اول، تهران، جلد ۱.
۵. رهامی، محسن؛ حیدری، علیمراد، ۱۳۸۹، جرایم بدون بزه دیده، انتشارات میزان، چاپ دوم، تهران.
۶. زاهدی، عاطفه، ۱۳۹۲، قانون مجازات اسلامی، انتشارات جنگل، چاپ هشتم، تهران.
۷. شامبیاتی، هوشنگ، ۱۳۹۲، حقوق جزای عمومی، مجد، چاپ دوم، تهران.
۸. عمید، حسن، ۱۳۹۳، فرهنگ عمید، امیر کبیر، چاپ بیست و هفتم، تهران.
۹. فرهودی نیا، محمد، ۱۳۸۸، جرایم ناقص، نشر فروزش، چاپ اول، تهران.



ششمین کنفرانس بین المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق
۳۰ خرداد ۱۴۰۱ - تهران

۱۰. گلدوزیان، ایرج، ۱۳۸۵، بایسته های حقوق جزای عمومی، میزان، چاپ سیزدهم. تهران.
۱۱. میرمحمد صادقی، حسین، ۱۳۹۲، حقوق جزای اختصاصی؛ جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، میزان، چاپ بیست و یکم، تهران.

منابع عربی

- ۱- ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم، ۱۴۰۸ ه. ق، لسان العرب، دار الاحیاء التراث العربی، چاپ اول، بیروت، ج ۶.

مقاله ها

۱. گسن، ریموند، «روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری» ۱۳۸۶، ترجمه: نجفی ابرند آبادی. مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، دوره ۲۰، شماره ۱۲، (۳۰-۱۲).